



آبشار خرننگ گلکلیاف

سخن مدیر مسئول

## صنعت گردشگری ۲/

سخن سردبیر

## گردشگری زیر سایه‌ی

## سیاه نفت ۲/

مقاله

## گردشگری پایدار ۳/

یادداشت

## در کوچه های خاطره ۴/

معرفی منطقه‌ی گردشگری

## گلکلیاف ۶/

گزارش

## لاله زار، بهشتی در

## دل کویر ۸/

سفرنامه

## تنگه رتیل ۱۰/

گنجینه

## دریچه ای نو ۱۱/

## خبر ۱۲/



چهار فصل کرمان دارای جذاب‌ترین و متنوع‌ترین جاذبه‌های گردشگری علمی، فرهنگی، معماری و طبیعت گردی است که در طول ۳۵ سال گذشته از این منبع عظیم خلق ثروت و اشتغال و کسب درآمد ارزی به جد غفلت شده است و هرگونه برنامه‌ریزی و جذب سرمایه گذار و گردشگر (اعم از داخلی و خارجی) با کج سلیقه‌ها و خود محوری‌ها و اعمال سلیقه شخصی مسوولین دستگاه‌های مختلف مواجه بوده و ممانعت و مزاحمت و محدودیت زیادی در این راه ایجاد شده است.

درآمدزایی و اشتغال زایی ناشی از رونق صنعت گردشگری در استان و کشور در شرایط تحریم‌های بین‌المللی می‌توانست و می‌تواند بهترین جایگزین درآمدهای نفتی و گذر از اقتصاد تک محصولی و نفت محور و جلوگیری از صادرات مواد خام باشد. امید اینکه با انتخاب رییس دولت و انتخاب مدیران مسوول و مجرب برای سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور و استان‌ها از این پتانسیل عظیم اشتغالزایی و درآمدزایی (ارزی و ریالی) حداکثر بهره برداری را در سال‌های پیش رو شاهد باشیم.

امروز گردشگری در تولید ناخالص ملی کشورها سهم قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده است. مضاف بر آن از ایجاد اشتغال و درآمدزایی مناسبی برخوردار می‌باشد. براساس مطالعات سازمان جهانی گردشگری، قسمت اعظم درآمدهای این صنعت به مناطقی از جهان اختصاص دارد که اوضاع سیاسی، اقتصادی و رفاهی مطلوبی را در مقایسه با دیگر مناطق داشته و دارند از جمله: کشورهای اتحادیه اروپا، آمریکای شمالی و آسیای شرقی و بعضی کشورهای آفریقایی و خاورمیانه را می‌توان نام برد.

توسعه گردشگری در کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته از عوامل موثر در مقابله با فقر، افزایش اشتغال و افزایش درآمد سکنه این کشورها است و در نتیجه عامل مهمی در بهبود کیفیت زندگی، افزایش رفاه اجتماعی، پیشگیری از ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌های جوانان بیکار و رشد خلاقیت‌ها، استعدادها، افزایش سطح فرهنگ، دانش، آگاهی (تبادل فرهنگ‌ها و آموزش زبانهای خارجی) و رونق تولیدات به خصوص صنایع دستی این مناطق می‌باشد. کشور ایران و استان



## سخن مدیر مسئول

**سید محمد ابراهیم علوی**  
مدیر مسئول و رییس کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق کرمان

## صنعت گردشگری

در دنیای پرقابلیت امروز نگاه عمومی برنامه ریزان اقتصادی کشورها و بخش خصوصی در بخش جهانگردی، رویکرد «اقتصادی محور» است. این صنعت یکی از منابع عمده اشتغالزایی و درآمدزایی در کشورها شناخته شده و به تجربه رسیده است به طوری که درصد زیادی از درآمد بعضی کشورها از محل فعالیت‌های گردشگری است.

## گردشگری زیر سایه سیاه نفت

بازارهای فرش و پسته را اشیاع کرده‌اند و ما از قافله پرشتاب جهانی جا مانده ایم.

صنایع دستی ما که جزء اصیل‌ترین صنایع دستی می‌باشند در میان انبوه کالاهای بی ارزش چینی راه خود را گم کرده است. و از مهمترین و درآمدزاترین صنعت حال حاضر جهان، یعنی «صنعت توریسم»، غافل مانده ایم در حالی که شکوفایی اقتصادی کشور ما در گرو همین صنعت است. کشور ما سرزمینی است پر رمز و راز با طبیعتی شگفت انگیز آثار و بناهای باشکوه که ریشه در دل تاریخی ژرف و عمیق دارد. سال‌ها مقام اول گردشگری منطقه را صاحب بودیم اما حالا رویای مردم ما در کشورهایی تحقق پیدا می‌کند که روزگاری دست نیاز به سوی ما دراز می‌کردند، حالا این سرزمین‌های بدون تاریخ و بدون گذشته، ثروت و سرمایه‌ی ما را به سوی خود می‌خوانند. باید تلاش کنیم، باید قدر داشته‌هایمان را بدانیم و آن‌ها را به فرصت تبدیل کنیم. هیچ چیز دور از دسترس نیست، اگر اراده کنیم می‌توانیم.

از هم گسیختگی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و تورم و گرانی بیش از حد شده است. چه در سال‌های پیش از انقلاب (در دوره‌ای که قیمت نفت به بالاترین حد خود رسید) و چه طی این سال‌ها که بیش از میلیون‌ها دلار از صادرات نفت به خزانه کشور سرازیر شده، هرگز از این فرصت‌های طلایی استفاده صحیح نشده است.

از نفت باید بگذریم چرا که نه تنها به رشد و توسعه کشور کمک نکرده، بلکه وابستگی و تکیه بیش از حد به درآمدهای آن مسوولان را از توجه و پرداختن به ظرفیت‌های دیگر بازداشته است. طی این سال‌ها، رویای درآمدهای نفت باعث غفلت شده و بسیاری از فرصت‌های دیگر را از دست داده ایم. قالی ایران (کرمان) که روزگاری حرف اول را در بازارهای جهانی می‌زد، شرایط خوبی ندارد. در صنعت به جز «صنعت مونتاز» حرف جدی برای گفتن نداریم، بازار جهانی پسته را در حال از دست دادن هستیم، حالا چینی‌ها، هندی‌ها و آمریکایی‌ها و ...



## سخن سردبیر

**بتول ایزدپناه**  
سردبیر خبرنامه  
و عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان

از همان روزی که نخستین چاه نفت در مسجد سلیمان کشف شد تا امروز که صد سال از آن زمان می‌گذرد، این ماده سیاه همواره نقش موثر و به روایتی مخرب در حیات اقتصادی ایران داشته و فراز و نشیب‌های فراوان بوجود آورده است. اتکاء بیش از اندازه به آن در طول این سال‌ها راه را بر هر تدبیری بسته است و این یگانه محصول اقتصادی ما نه تنها در بهبود وضعیت زندگی مردم این مرز و بوم نقش مثبت نداشته، ای بسا شرایط سنگینی را هم بر زندگی آنها تحمیل کرده است! حتی آن زمان که با بالا رفتن قیمت آن، ثروت افسانه‌ای به خزانه مملکت سرازیر شده به جای این که زمینه‌ی مناسبی برای توسعه اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی مردم فراهم کند، متأسفانه باعث

**تبریک**  
**جناب آقای دکتر سید محمد ابراهیم علوی**  
بدین وسیله انتخاب شایسته‌ی جنابعالی را به عنوان نایب رییس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران تبریک گفته و از درگاه خداوند متعال سعادت و توفیق روز افزونتان را خواستاریم.





**محمد جهانشاهی**  
عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی،  
صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان

مقاله

## گردشگری پایدار، مسیری برای خروج از بحران

### الگوی مناسب برای توسعه عدالت اجتماعی در جوامع میزبان

نموده است. مناطق متعددی در سراسر جهان از شرق تا غرب، البته نه به صورت پیوسته وجود دارند که با جدیت، گردشگری پایدار را دنبال می‌کنند و در مسیر بهبود شرایط اقتصادی جامعه خویش، حمایت و حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی را به عنوان یک اصل مد نظر دارند.

باید توجه داشت که سیل بازدید گردشگران از مناطق مختلف جهان هر ساله رو به افزایش است و به سختی می‌توان جلوی این افزایش جمعیت گردشگران را گرفت.

خوب است بدانیم در سال ۲۰۰۶ جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر مناطق تحت مدیریت محیط زیست را در سراسر جهان مورد بازدید قرار داده‌اند و ده‌ها برابر این رقم، گردشگران در دیگر نقاط جهان پراکنده بوده‌اند.

صنعت گردشگری، امروزه با توجه به حجم سرمایه و جایابی پولی و نیز جمعیتی که در بر دارد، بی‌تردید یکی از مهمترین ابزارها برای حفاظت آرامش طبیعت و محیط زیست می‌تواند باشد، به شرط به کار بردن بیشتر و جدی‌تر الگوهای گردشگری پایدار. آسیب‌های وارده به محیط زیست در کشورهای کمتر توسعه یافته و جهان سومی به مراتب بیشتر و سخت‌تر است و این در حالی است که یک سوم فقیرترین کشورهای جهان منبع اول درآمد ارزی آنها، گردشگری است و بیش از ۷۵ درصد کشورهای فقیر، درآمد عمده خود را از راه صنعت گردشگری حاصل می‌آورند.

گردشگری روزی دو میلیارد دلار درآمد نصیب کشورهای فعال این صنعت می‌کند و از هر ۵ کشور، ۴ کشور درآمد خارجی شان از صنعت گردشگری است و در مجموع ۶۰ کشور جهان اولین درآمد ارزی آنها از طریق صنعت گردشگری تأمین می‌گردد و این‌ها همه یعنی توجه به گردشگری پایدار که می‌باید جدیت گرفته شود و سازمان‌های بین‌المللی با همکاری گروه‌های مختلف و خصوصاً حمایت‌های دولت‌های محلی در مسیر تقویت آن فعالان این صنعت را مورد حمایت و تشویق قرار دهند.

گردشگری مسئولانه که در سال ۱۹۹۵ در بیانیه کیپ تاون آفریقای جنوبی مطرح شد استمرار حرکت در مسیر توسعه پایدار بهره‌بردارانی از منابع و داشته‌ها، با در نظر گرفتن شرایط برای نسل‌های آینده، از طریق توجه به گردشگری پایدار جانی دوباره بخشید.

گردشگری پایدار توجه‌ای است به توسعه زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری صنعت گردشگری با توجه به ظرفیت‌های طبیعی موجود و حفظ حاصلخیزی و استمرار طبیعی حیات محیط زیست در آینده و این وقتی محقق می‌گردد که توجه جدی به سهم مشارکت مردم، جوامع، رسوم و روش‌های زندگی در فعالیت‌های این صنعت، قبول تقسیم عادلانه منافع اقتصادی صنعت گردشگری بین مردم جامعه و توجه به نقش هدایت‌کننده تقاضاهای افراد بومی در فعالیت‌های گردشگری انجام بپذیرد.

کنفرانس که متشکل از بخش‌های دولتی، سازمان‌های غیر دولتی، دانشگاهیان و برخی فعالان اقتصادی بودند، بحث در رابطه با اهمیت عوامل زیست‌محیطی در حفظ و تقویت صنعت گردشگری را به شکل جدی مورد توجه قرار دادند و این در حالی بود که در آن سال آثار زیان بار فعالیت‌های متنوع بشری در چهره محیط زیست به خوبی مشهود بود و هر روز صحنه‌های ناگواری در این زمینه مشاهده می‌شد.

در آن کنفرانس اهداف گردشگری پایدار با محوریت بالا بردن سطح آگاهی و دانش افراد جامعه از مشارکت‌های موثر و عمده گردشگری در حفظ محیط زیست و اقتصاد و نیز ترویج عدالت و بهبود کیفیت زندگی کشور میزبان، مشخص و ذکر گردیدند. تعریفی که رفع نیازهای جهانگردان فعلی با توجه به حفاظت و تقویت فرصت‌ها و موقعیت‌ها برای آیندگان را مد نظر قرار می‌داد. گردشگری پایدار در واقع روش جدیدی برای اعمال توجه و تأکید بر توسعه پایدار می‌باشد که نمونه‌های بسیاری بر اساس این تعریف در جهان شکل گرفتند.

به طور مثال منطقه باتان (Bhutan) که یکی از نمونه‌های معروف گردشگری در کشور هند می‌باشد، جلوه‌گر توسعه پایدار و بروز نشانه‌های مثبت گردشگری پایدار و خصوصاً اکوتوریسم (طبیعت‌گردی) است.

در این منطقه با کنترل بسیار شدید بازدید کنندگان (ورود ۲۰۰۰ نفر در طول سال) از محیط زیست و موقعیت منحصر به فرد اجتماعی و فرهنگی باتان حمایت و حفاظت می‌گردد و این در شرایطی است که با تمام تلاش‌هایی که دست اندرکاران صنعت گردشگری دارند، میزان آسیب گردشگری در بسیاری از مناطق که الگوهای توسعه پایدار را به خوبی اجرا نمی‌کنند بسیار زیاد و گاه ناامید کننده است.

یکی دیگر از نمونه‌های مورد توجه پروژه توسعه پایدار «بالی» در اندونزی است. پروژه‌ای چند منظوره با همکاری دانشگاه واترلوی کانادا و دانشگاه گاج احمد اندونزی.

صنعت گردشگری یکی از بخش‌های مهم این پروژه است که بر اساس قابلیت‌های توسعه پایدار مورد استفاده قرار گرفته و نقش مهمی را در پیش برد و صنعت اقتصادی ساکنان بالی بازی

جهان امروز با تمام دغدغه‌هایی که دارد و با تمام پیچیدگی‌ها و گسست و پیوسته‌هایش، همچنان در تلاش برای رنگ و لعاب بخشیدن به زندگی و سرنوشت ساکنان زمین است.

بخش زیادی از انرژی و منابع و وقت بسیاری از دانشمندان و موسسه‌های تحقیقاتی و پژوهشی در سراسر جهان، معطوف کاهش آثار و زیان‌هایی است که حاصل سیاست‌های بلند پروازانه و گاه غلط انسان‌هایی است که در این جهان پر از زشتی و زیبایی به وجود آورده‌اند.

یکی از این دغدغه‌های مدرن و امروزی که اتفاقاً بسیار هم جدی است نابودی منابع و خسارت‌های وارده به جان محیط زیست و محیط‌های طبیعی در بخش‌های مختلف کره زمین است. خسارت‌هایی که دامنه آنها از زمین تا آسمان گسترده شده است.

تلاش و پشتکار سازمانها و نهادهای بین‌المللی با توجه به کار کرد و توانی که دارند و نیز با نظر به این اهمیت که متشکل از نمایندگان کشورهای و مردمان مختلف جهان می‌باشند در راستای برون رفت از این معضلات به خوبی نمایانگر این واقعیت است که ما در خطریم و بر همین اساس استفاده از هر ابزاری برای تقویت مشارکت همه گروه‌های انسانی در توجه بیشتر به محیط پیرامون مد نظر قرار گرفت.

یکی از این ابزارها صنعت گردشگری است. فعالیتی که از دل جهان متفاوت امروز، به شکل صنعتی با مشتریان و فعالان فراوان، جایگاه بلندی را در سطح فعالیت‌های بشری به خود اختصاص داده و جز بزرگترین و پر مشغله‌ترین صنایع جهان محسوب می‌گردد.

اگر چه سنگ‌های بنای این صنعت از ابتدا و به دلیل عدم آگاهی، به شکل مناسبی چیده نشدند اما بسیاری از کشورهای فسال در این زمینه به سرعت در حال تطبیق این صنعت با محیط و منابع خود هستند. تا ضمن بهره‌برداری، زیان‌های ناشی از این فعالیت را کاهش دهند اگر چه شرایط سخت و پیچیده‌ای را باید بگذرانند.

گردشگری و قابلیت پایدار، مهمترین حرکت در این رابطه محسوب می‌گردد. از سال ۱۹۹۰ در کنفرانسی که با عنوان «جهان در سال ۹۰» در کانادا برگزار گردید شرکت کنندگان





## گفت و گو



**سید علی معین زاده**  
عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی،  
صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان

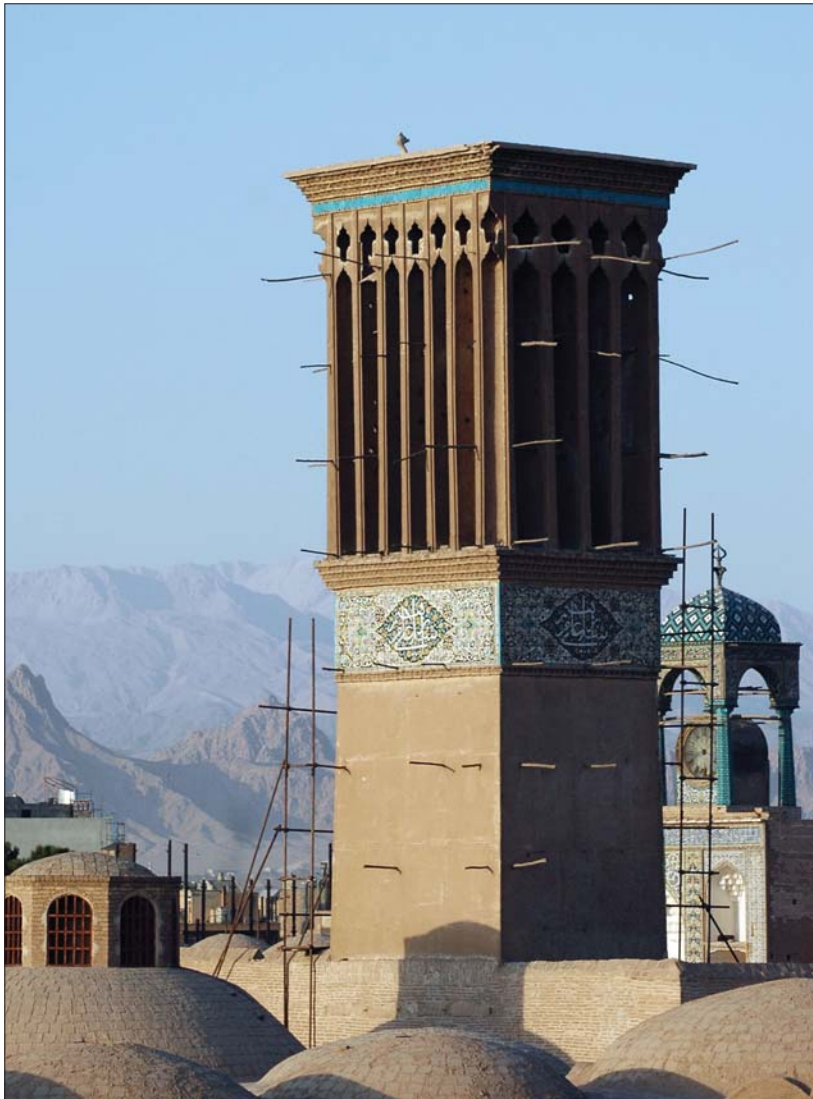
## در کوچه های خاطره

همکاران آقای معین زاده همانطور که شیرین سخن می گوید قلم شیرینی هم دارد، طی یادداشتی گزارش گونه با زبانی بسیار ساده و خودمانی ما را به گوشه هایی از شهر کرمان می برد، با ظرافت نقاط دیدنی را معرفی می کند، از قالی کرمان، پته، کماچ، کلمپه و... می گوید و البته از دلننگی هایش هم! که چرا ما فراموش کرده ایم غذاهای سنتی خودمان را بخوریم!

بعد از ظهر پنج شنبه گذشته با نیت زیارت اهل قبور از منزل راه افتادم البته فهرست خرید عیال مربوطه که می بایست از بازار بزرگ تهیه شود نیز همراهم بود.

از خیابان امام نزدیک مسجد ملک که قدیمی ترین مسجد کرمان است رد شدم یاد یکی از دوستان افتادم، گفتم: حالا که وقت دارم یک سری هم به ایشان می زنم، نشانی که داشتم دور زدم، بازار میدان قلعه را رد کردم و می بایست اول بروم تکیه بنگی هـا، اتومبیل را همان جا پارک کرده و چند قدمی رفتم تا رسیدم به منزل حاج محمد دهقانی پدر شهید منصور دهقانی، خود ایشان در را باز کردند، با آن قد بلند و آن سن و سال، اما شادابی از سر و رو می بارید، هر کس حیاط منزل و درختان سرسبز و آن یاغچه کوچک را ببیند کاملاً متوجه می شود چه زحماتی برای این بهشت کوچک خانگی کشیده است، زیر سایه یکی از درختان استادم خوش و بشی و تعارفی، سراغ فرزندان را گرفتم، حاج مسعود و حاج مجید و حاج مجتبی که هر سه از فعالان بسیار موفق صنعت گردشگری استان هستند و همچنین

دارای چند دفتر خدمات مسافرتی می باشند، تور مسافرتی به باغ شاهزاده ماهان، ارگ و آبشار راین و کلوتهای شهداد دارند تا تور مسافرتی به حج و عتبات عالیه، و کشورهای خاورمیانه، خاور دور و خاور نزدیک، اروپای غربی و شرقی و حتی آسیای میانه، هیچ یک از برادران نبودند، برای آنکه حرفی زده باشم گفتم: حاج آقا اون قدیما با زن و بچه برای گردش کجا می رفتید؟ دستی به محاسن سفید کشیده و با یک لیخند رفت توی خاطرات شیرین و گفت: همین نزدیکی، می رفتیم «سکنج»، به زحمت توانستم دخا حافظی کنم، به سرعت رفتم سراغ ماشین و حرکت کردم به طرف مسجد صاحب الزمان، خیلی جالب بود از میدان مشتاق که از دور مناره مسجد جامع مشخص است و نزدیک مشتاقیه تا اوائل خیابان تختی که تابلو آتشکده زرتشتیان دیده می شود و همین طور پس از رد کردن گنبد جبلیه و رسیدن به جنگل قائم، درجه هوا به سرعت پائین می آمد، همین طور که نسیم خنکی به داخل ماشین می وزید نگاهم ازدور به قلعه دختر و قلعه اردشیر افتاد، اتومبیل را در همان میدان اول پارک کردم، پس از خواندن فاتحه های سر مزار ابوی و چند نفر از اقوام، قدم زنان به مهدیه و آرامگاه شهید رفتم و ناگهان یاد مرحوم



هستم اگر زنده بود و از او سوال می کردم کجای این استان را دوست داری؟ از این تمام مناطق بیشتر می گفت: تکاپ شهداد و منطقه جوشان و آبگرم سیرج را، کمی بالاتر که رفتم از دور چهره های آشنا دیدم، حاج اصغر اخوان، فرزند مرحوم حاج محمدعلی اخوان را که الحق پیش کسوت صنعت هتلداری استان کرمان بود، پس از سلام و علیکی، پرسیدم: همیشه این طرفها می آیی گفت: بر خود وظیفه می دانم هر پنج شنبه سر قبر پدر حاضر شوم، خوش به سعادت خانواده ای با چنین فرزندان، می گویند: هتل اخوان یک هتل خانوادگی است پدر در راس و اینک مادر خانواده سرکار خانم هنرمند و سپس دو پسر اصغر و امیر که به راستی در یک محیط خانوادگی پذیرای گردشگران خارجی و ایرانی هستند، از این فرزند خلف پرسیدم در خاطرات خود و در تعطیلات با پدر و خانواده کجا می رفتید؟ با اون نگاه تعجب برانگیزش حدس زدم حتماً توی دلش می گوید: آخه، این سوال است در این مکان می پرسیم؟ با صبر و متانت گفت: در مسیر کوهپایه و جاده سیدی می رفتیم به «باب کمال»، بعضی مواقع هم یک روستایی توی جاده سیرج است به نام «بیللو»! می رفتیم آنجا، همانطور که در فکر سیاهه خرید، عیال بودم به

حاج اصغر بهرامی افتادم و فاتحه ای بر قبرش خواندم، زحمات بسیاری برای صنعت گردشگری و هتلداری این شهر کشیده، چه در مقوله هتل و مهمانپذیر و چه در باب پذیرایی و رستوران و تالار، خوشبختانه فرزند خلف ایشان محمدرضا بهرامی راه آن مرحوم را ادامه داده و فعالیت های موفق دارد، همان موقع زنگ زدم به ایشان و موقعیت خود را گفتم و سوال کردم اون قدیما با مرحوم پدر و خانواده کجا می رفتید برای گردش؟ با تعجب از این پرسش و کمی مکث گفت: «شش مخزن جویبار» و گاهی هم سرآسیاب فرسنگی، خدا حافظی کرده و به راهم ادامه دادم و فکر می کردم چه افراد بزرگی را از دست دادیم خاصه آنها که برای این صنعت تلاش بسیار کردند، مرحوم حاجی قائم کار جعفری در مسافرخانه و هتل ناز که فرزندانش به کار پدر مشغولند، مرحوم حاج آقا یزدانپناه در مسافرخانه کسری، مرحوم حاج آقا فهیم در مسافرخانه آسیا و مرحوم حاج مجید اشرف زاده، مسافرخانه ایران که فرزند برومندش کماکان راه پدر را دنبال می کند و همچنین نویسنده و تاریخ نگار مرحوم طاللی زاده در هتل صحرا، هر چند کمی دیر وارد این جرگه شد اما خانواده اش هنوز نام او را با ادامه فعالیتش زنده نگاه داشته اند و مطمئن



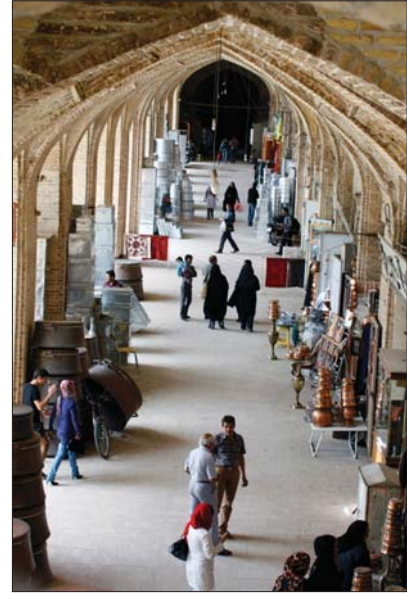
قدیمی‌ترین کسانی که در پختن این شیرینی مخصوص کرمان فعالیت داشت و اینک چهار فرزند، راه پدر را دنبال می‌کنند، تا سفارش شیرینی آماده شود نگاهی به اطراف انداختم، یاد آمد جلوی مغازه مرحوم عطری ایستاده ام که متخصص ساختن موم روغن بود یکی از داروهای گیاهی معطر که مخصوص کرمان است و یکی از فرزندانش در بازار، کار پدر را دنبال می‌کند، بیشتر دقت کردم و متوجه شدم، عجب مکانی ایستاده ام! سمت چپ مسجد گنج، سمت راست مسجد بازار شاه و یا مسجد صاحب‌الزمان، آن طرف خیابان مسجد آیت الله، این طرف تر مسجد گل مشکلی و قبه سبز، پشت سر تکیه همت، در نزدیکی بازار شستر و بالاخره صد قدم بالاتر محله و تکیه خواجه خضر هرچند تا باغ لله یک کم فاصله دارم، با خودم گفتم حالا که تا اینجا آمدم سری هم به پاساژ آقای بقائی بزنم و برای خرید جهاز دخترم قالی‌های او را هم نگاهی ببینم و بعداً بروم سراغ آقای وزیری تاجر معروف قالی، رفته داخل فروشگاه و مشاهده کردم، پدر روی صندلی نشسته بود و عصایی در کنارش فقط نظارت می‌کرد و مشخص بود در ذهن خود خاطرات جوانی را مرور می‌کند اما فرزندان به شدت مشغول به کار بودند و انواع قالی بزرگ و کوچک موجود بود و همچنین تابلو فرش نیز داشتند، افسوس که هرچه بود قالی‌های جدید بود و دیگه از قالی‌های آگاه و رشیدفرخی و ارجمند و دیگر بزرگان خبری نبود، دیدم با عجله نمی‌شود قالی انتخاب کرد، حرکت کردم به طرف خانه البته کنار یخدان مویدی این بنای زیبا، بنزین هم زدم، چون فردا روز جمعه هست و وقت نمی‌شود! هر هفته ظهر جمعه خانواده باید نزد مادرم جمع شویم و بچه‌ها و نوه‌ها با مادر بزرگشان دیداری داشته باشند هفته قبل قاتق مرزن جوش با کشک کله جوش داشتیم و این هفته قرار است بز قورمه کرمانی با دنده گوسفند داشته باشیم توی پمپ بنزین تابلویی به زبان لاتین دیدم، یاد اکبر انگلیسی خودمان افتادم! همان آقای اکبر پنجعلی زاده در بم و کنار ارگ بم به حقیقت که برای صنعت گردشگری زحمت کشیده است و توریست‌های خارجی، خیلی او را دوست دارند، دوباره تلفنم زنگ زد، این بار آقای محمودخواجه بهرامی بود این تورگردان قدیمی و این فرهنگی دوست داشتنی همیشه مدافع این صنعت بوده، صحبت در مورد سه نفر خارجی بود که با هم در کلوتهای شهداد بسر می‌برند و می‌خواست برای شب اتاقی رزرو کند، به شوخی به او گفتم: هنوز برای منطقه دره شنگرا و ساردوئیه تبلیغ می‌کنی؟ حکایت آقای وطنی است که او هم از تور گردان‌های موفق و بسیار علاقمند به طبیعت و تشویق گردشگران به دیدار از ایلات و منطقه حفاظت شده خیر بافت است، مدتی است خبری از آقای مینویی فعال قدیمی صنعت تورگردانی و گردشگری ندارم، خلاصه به خانه که رسیدم تازه یاد افتاد می‌بایست چند کیلویی پسته و خرمای مضافتی بم و یا اگر بود مقداری رطب اندوهجرد نیز بخرم، اما سن و سال است و حافظه! خسته، به محض آنکه نشستیم تا کمی استراحت کنم، عیال و بچه‌ها (دخترم و همچنین پسر و عروسم که از تهران آمده بودند) گفتند: بهتر نیست فردا دسته جمعی برویم اطراف و روز تعطیل را خارج از خانه باشیم؟ به کمی تعجب! گفتم: مگر کرمان جای دیدنی هم دارد؟! مگر غذای محلی و یا نوشیدنی خاصی دارد؟! یا اینکه، مگر کرمان صنایع دستی دارد؟! مگر شیرینی و سوغات مخصوص به خود دارد؟! آخر شب می‌رویم خیابان شفا و هزار و یکشب یک دوری می‌زنیم بعد هم پیژنا و یا ساندویچ هامبرگر می‌خوریم! آخرش نفهمیدیم این هامبرگر است یا هامبرگر!!!

و ارشاد اسلامی به فعالیت ادامه داد و تا زمان اجراء طرح ادغام در همین پست در سازمان ایرانگردی و جهانگردی و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ادامه داد تا بازنشست شد و به حقیقت که در تمام طول عمر اداری خود در دستگاه اجرایی و متولی صنعت گردشگری استان، خدمات ارزنده‌ای به این صنعت کرد و اینک نیز آن راه را ادامه می‌دهد، می‌خواستیم از او سوال کنیم با خانواده در روز تعطیل کجا می‌روید اما جوابش را می‌دانستیم چون او اصالتاً اهل جوپار است و باغ و باغچه‌های دارد در جوپار، لذا شاهزاده حسین جوپار و این باغ را به مکان‌های دیگر ترجیح می‌دهد.

وقتی که انتظار جواب کوتاهی داشته باشید نمی‌توانید بعضی سوالات را از همه کس بپرسید! یکی از اون افراد حاج آقا گلاب‌زاده است اگر از ایشان سوال شود یک جای دیدنی را در کرمان نام ببرید مطمئن باشید ساعت‌ها باید پاسخ بشنوید، از زبان فرهیخته‌ای که با واژه کرمان شناسی عجین شده، تاریخ نگار و محقق که پیر و جوان در کرمان او را می‌شناسند، با آن کلام شیوا و با مستنداتی که در دست دارد شمای مشتاق را به سر ذوق می‌آورد، امید است با زحماتی که برای صنعت گردشگری استان متحمل می‌شود دوستداران این صنعت، قدرشناس زحمات ایشان باشند.

نمی‌دانم، چرا؟ زمانیکه توی بازار قدم می‌زنم تا حدودی وقت را در نظر نگرفته و دلم می‌خواهد این یک کیلو متر بازار سرپوشیده تمام نشود، پس از اتمام تماس تلفنی به خودم آمدم دیدم چهار سوق دوم را هم رد کرده‌ام برگشتم و بعداز حمام و کباب و چایخانه سنتی و سپس حمام گنجعلی خان، اولین مغازه بزرگ همان چهارسوق، فهرست خرید را در آوردم، صد گرم زیره پلوئی و مقداری سفیداب معمولی، چون گفتمند: سفیداب نقره نداریم! مقداری قوتو نخود و قوتو پسته و همچنین صد گرم تُلَف خریدم، یاد آمد اون قدیمیا این گونه اقسام را از مغازه عطاری مرحوم صعصعی تهیه می‌کردیم، سپس رفته بازار مسگری نزد یکی از آقایان اشرف زاده و یک دیگ نیچه برای درست کردن عرق نعنا و یک دیگ مسی کوچک برای پختن مربا خریدم، صنایع دستی مسی پیشرفت کرده و انواع ظروف و تزئینات مسی ساخته می‌شود اما دیگر کمتر صدای چکش‌های صنعتگران را در این بازار می‌شنوی، راستی یادم رفت بگویم: یک کاسه فالوده کرمانی که نظیرش در هیچ جای ایران پیدا نمی‌شود، جای شما خالی خوردم و لذت بردم، بوی گلاب منطقه لاله‌زار خودمان فضای مغازه را پر کرده بود، شیشه‌های گلاب زهر، ساخت کارخانه مرحوم صنعتی را هم چیده بود توی تاقچه، خاطرات مغازه فالوده فروشی مرحوم اطهری و مرحوم دقاقی، برایم زنده شد.

چند قلم دیگر از خرید مانده بود یک عدد ترمه به اندازه پرده و یک عدد پته به قطع بقیچه در میدان گنجعلیخان یکی دو تا مغازه پته فروشی دیدم اما می‌بایست بروم سراغ خانم آرام و یا خانم شیرازی که عمری در این راه زحمت کشیده بودند، برای رفتن به خیابان شیرینی، باید از طرف کاروانسرای گنجعلیخان بروم، اما بهتر دیدم بازار گناش‌ها را ادامه دادم و از کنار مسجد حاج آقا علی وارد خیابان شوم، آن طرف خیابان هم، اول کوچه چراغ برق و بازار عزیز، یادش به خیر چه عزیز هم بود این بازار، بعد از کلی چک و چانه، سفارش یک پته را دادم و آخرین قلم خرید، شیرینی بود، کلمبه و کماج سه‌ن و یک جعبه سوهان زرنده، چه شانس آوردم! نزدیک مغازه آقای بیجاری بودم بعد از سفارش خرید یادی از مرحوم محمد علی بیجاری کردیم از



سرعت خداحافظی کرده و برگشتم به پارکینگ و برای آنکه به شلوغی برخورد نکنم از طرف جاده ماهان و تخت دریاقلی بیگ و آبشار مصنوعی رفته به طرف بازار بزرگ حتی کاری داشتم نزدیک یخدان زریسیف و شاهزاده محمد، سرچهارراه پلنگ! اما دیدم وقت بسیار تنگ است، میدان ارگ اتومبیل را پارک کردم معمولاً برای ورود به بازار از طرف میدان گنجعلی خان و موزه سکه می‌رفتم بازار زرگرها و سپس وارد بازار می‌شدم اما این بار از اول بازار مسگرها آمدم تا به چهارسوق رسیدم به طرف بازار لحاف دوزها، رفتم راسته بازار را ادامه دادم، ناگهان تلفن زنگ زد، این تلفن همراه هم یک دردسر بزرگ شده و نمی‌توانم آن را خاموش کنم! دوست عزیز و بزرگوار حاج محمد قاسمی مدیر هتل گواشیر بود، بعد از احوالپرسی معمول در مورد نرخنامه‌های هتل سوال و جوابی رد و بدل شد و خداحافظی کردیم، یادش به خیر بعد از انقلاب ایشان از بندرعباس منتقل شد به کرمان و پس از چندی با مسوولیت معاون سیاحتی اداره کل فرهنگ



## مناطق گردشگری



**سید عبدالرضا جعفری صدر**  
عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی،  
صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان

## گلباف



«خبق»، نام گلباف در کنار نام هایی چون «خبیص» برای شهاد است که یاقوت حموی در معجم البلدان ج ۲ ص ۳۴۵ از آن یاد کرده است بدین مضمون که خبق نام ناحیه ای قبل از خبیص است. نام دیگری که تا قبل از سال ۱۳۴۸ گلباف بدان شهرت داشت، «گوک» است: گوک به معنای گو و یا گودال و یا گوکان است.

شاید منظور از این لغت به واسطه حضور مردمانی جنگجوی در این دیار بوده است. در تاریخ این ناحیه نبرد میان اهالی با افغانه ای که از سوی شرق به قصد غارت حمله می نمودند به کرات ذکر شده است و گورهای دسته جمعی افغانه در مجاور «کشیت» مشهور به «گود اوغانها» شاهد رشادتهای اهالی آن زمان بوده است.

از سال ۱۳۴۸ این قسمت از استان کرمان و بخش مرکزی به خاطر مرغوبیت قالی های دست باف اهالی به نام «گلباف» تغییر پیدا نمود و در حال حاضر نیز به همین نام شهرت دارد. از «سیرج» که به طرف شهاد می رود اگر به سمت «ابگرم جوشان» تغییر مسیر دهید پس از عبور از روستاهای جوشان، هشتادان و فنداق، در میان دشت، شهر گلباف همچون نگینی سبز در حصار کوه های بلند با راستای شمالی - جنوبی، خودنمایی می کند.

### جغرافیای گلباف

گلباف در ۹۰ کیلومتری جنوب شرقی کرمان واقع شده است. راه های ارتباطی گلباف شامل دو مسیر است. اول مسیر شهاد از طریق سیرج به جوشان و مسیر دوم از طریق نیید واقع در مسیر کرمان به بم است.

بنا به سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت بخش گلباف در سال ۱۳۸۵ حدود ۱۳۱۵۷ نفر بوده است و در حال حاضر حدود ۲۰ هزار نفر برآورد می گردد. گلباف یکی از بخش های شهرستان کرمان است، که از جنوب به ابارق به، از شمال به شهاد، از غرب به راین و از شرق به کویرلوت محدود شده است.

وسعت بخش گلباف حدود ۷۵۰۰ کیلومتر مربع می باشد. شهر گلباف حدود ۱۸ کیلومتر مربع وسعت دارد و ارتفاع آن از سطح دریا بطور متوسط ۱۷۵۰ متر است.

گلباف دارای ۶۶ پارچه آبادی است که مهم ترین دهستان های آن شامل دهستان جوشان، کشیت، نسک و حرّمک است.

بخش گلباف با داشتن دو اقلیم سرد و گرم، محصولات متنوعی دارد، میوه های مناطق سردسیری شامل انواع زردآلو، انواع انگور، سیب، گلابی، توت، گیلاس، آلبالو، انجیر، انار، به، هلو، بادام و گردو است. خرما و مرکبات در مناطق گرمسیری بعمل می آید. خرماي نسک و کشیت بسیار مرغوب و مخصوص است.

انواع سبزیجات و صیفی جات در منطقه گلباف کشت می شود. دامداری در این بخش بیشتر به صورت خانگی است. نان تنوری همی می تازه گلباف خوراک کاملی است که ارزش یک بار

تزیین می گردد و در مراسم و آیین های ازدواج، عروس و داماد برای میمنت به دور آن می چرخند.

شهره است که زمین گلباف سخاوتمند است و محال است که نهالی بکارید و بار ندهد. در دامنه ارتفاعات و دشتهای میان کوهی، ختمی، پونه، کلپوره، اسپست، بومادران، شیرین بیان و... می روید و کشت نعنای تلخون، زعفران، گل خشک، فلفل و سماق آن مشهور است. گلباف در گذشته به لحاظ تولیدات کشاورزی خاص مورد توجه تجار، و بازرگانان اقصی نقاط مملکت و کشورهای هند، پاکستان و افغانستان بوده است.

گونه های گیاهی فراوان و بی شماری در این منطقه به چشم می خورد که می تواند برای انجام تحقیقات گیاهشناسی، گیاهپزشکی و خاکشناسی موضوع جالبی باشد.

در حال حاضر اگر چه بمانند گذشته بافت قالی رونق ندارد اما قالی گلباف شهره و سرآمد است.

مرقد عرفا و امام زادگان از جمله شیخ مرتضی نیشابوری جنب منبع آب، شیخ جنید در کنار قلعه، شیخ ابو سعید ابوالخیر در بهشت زهرا، شیخ شاه شمس الدین واقع در محله رزنو، سید حسن خراسانی معروف به حاج آقا سلطان حسن شاه واقع در روستای ابگرم و امام زاده زید محمود در حرّمک و دوتن از زنان عارفه در



امتحان کردن را دارد. شهر گلباف در فصل تابستان روزهای آفتابی شفاف و گرمی دارد اما شب ها قدری سرد است. خیابان اصلی گلباف درختان چنار بسیاری دارد. لذت پیاده روی عصرانه در زیر این درختان فراموش نشدنی است.

شهر گلباف از محله های به هم متصل بسیاری به نام های محله هزار چشمه، رزنو، باغ نو، تیرکون، آترکون، کیش، عقبه، گناره، اولنگ، کشمش، ده قنبر، غیاث آباد، محله ی گورا (گبرها) و... تشکیل شده است. آب کشاورزی گلباف عمدتاً از آب قنات تامین می شود. تعداد بسیار زیاد قنات و چشمه در مرکز شهر با ویژگی های خاص و منحصر به فرد نشان دهنده قدمت شهر می باشد.

گلباف دارای ۵۷ رشته قنات در بخش مرکزی است و دبی آب آن حدود ۳۳۰۰ لیتر آب در ثانیه است که مجموعه روستاهای این بخش را سیراب می نماید. از این تعداد قنات، ۲۷ رشته قنات هم اکنون دایر و در شهر گلباف جاری است. اگر چه کم آبی های اخیر بر کاهش میزان دبی آب تاثیر گذاشته ولی هنوز با دبی ۱۱۰۰ لیتر در ثانیه دشت گلباف را سیراب می کند.

آب بعضی از این قنات ها دارای خواص درمانی است. در مورد خواص درمانی آب قنات ها تاکنون مطالعه جامعی صورت نگرفته است. مردم محل عقیده دارند که قنات خندق، آب سردی دارد که برای بیماری شراخ قابل استفاده است و قنات آترکان که دارای آب ولرم است برای لطافت پوست و زخم درمانی موثر می باشد.

کشاورزی گلباف در گذشته بازار پرسودی داشته خشکبار، ترخون و نعنای خشک شده، برکه هلو تولیدی آن به سایر نقاط کشور و هندوستان صادر می شده است.

در محله چشمه های گلباف، چشمه های نادر از دل زمین می جوشد که به نام چشمه دریا مشهور است و می گویند که در مدتی از سال با گل فراوان بسته می شود بطوری که می توان بر روی آن راه رفت و علت آن هنوز بدستی معلوم نیست.

### طبیعت گلباف

سرو کهنسال گلباف با قدمتی نزدیک به هزار سال به بلندای حدود ۴۰ متر و قطر حدود ۶ متر در مرکز شهر در کنار مجموعه ۵ چنار از جمله دیدنی های این شهر است. گویا ابوسعید ابوالخیر این درخت را به دست خود کاشته و به همین لحاظ میان اهالی از تقدس خاصی برخوردار است. و در مراسم عزا با پارچه مشکی



می شود تا گردشگران رغبت به سفر به این مناطق نداشته باشند. برگزاری همایش ها و جشن های دوره ای و نمایش امنیت می تواند راهکار مناسبی باشد.  
۸. نبود یک مسیر تردد دائمی اتوبوسرانی در مسیر کرمان به گلباف

## شناسائی فرصت ها

۱. تولیدات متنوع خانگی صنایع دستی، تابلو فرش های نفیس، پته دوزی و سایر محصولات خانگی چون ترشیجات، مربا، خشکیا، خوراک های محلی و ایجاد مکان های تولید مستقیم و عرضه این محصولات
۲. گلباف تاکنون معرفی نشده است، تقریباً بواسطه زلزله سال ۱۳۶۰ حتی ساکنین محلی نیز رغبت ماندن ندارند و این مسئله بمانند یک فرصت می تواند در حال حاضر استفاده شود زیرا قیمت پایین زمین و وجود نیروی کار فراوان و آب و هوای کوهستانی مطبوع نیاز به ارائه راهکارهای موثر دارد.
۳. داشتن ابتکار و خلاقیت بی نظیر در میان خانم های خانه دار که تقریباً از هیچ، همه چیز را بوجود می آورند. مثال آن گل های زیبای نخل است که از سرشاخه های نخل تهیه می کنند که در این سفر به ه عنوان هدیه یک نمونه آن را گرفتیم.
۴. ترغیب اهالی به استفاده از راهکارهای تشویقی مسوولان برای صدور مجوزهای لازم همراه با تخفیف های قابل ملاحظه به منظور تشویق سرمایه گذاری در امور گردشگری

## شناخت تهدید ها

۱. سابقه زلزله در منطقه گلباف
۲. عدم شناخت نیازهای گردشگران و توجه به این نکته که حضور گردشگر در اغلب مواقع با مقاومت بعضی افراد روبرو می شود. (ضرورت آموزش و توجیه مردم محلی در برخورد و جلب و جذب گردشگران)
۳. عدم آشنایی با فرهنگ پذیرایی که ممکن است باعث عدم مراجعه مجدد گردشگر و سرخوردگی اهالی گردد از سوی دیگر اهالی گلباف تجربه خوبی از سرمایه گذاری های قبلی ندارند و لذا ممکن است با مقاومت در برابر آن باعث شود تا پروژه بی ثمر گردد در این زمینه لازم است با نشان دادن اهمیت کسب درآمد از گردشگران و استفاده ساکنین از امکانات بوجود آمده زمینه خوبی برای حمایت ساکنین از فرصت های سرمایه گذاری بوجود آورد.
- درآمد زایی صنعت گردشگری بر کسی پوشیده نیست. از سوی دیگر این صنعت دارای پارامترهای متعددی است که این پارامترها اگر به موقع شناسایی نشوند باعث بروز مشکلات در آینده خواهند شد. مطالعه و کشف واقعیت ها به منظور ارائه راهکارهای واقعی نیاز به تحقیق دارد لذا قبل از هر اقدام جسورانه و مبتکرانه برای ایجاد تحول اساسی در این منطقه، لازم است مطالعات جامع و کاملی با اهداف زیر آغاز گردد.
- گلباف یک شهر میان کوهی است و دارای آب و هوای معتدل کوهپایه ای پاک و مناسبی است و قابلیت تبدیل به یک شهر پاک را دارد. لذا می توان با توسعه توام کشاورزی ارگانیک و گردشگری و ایجاد مزارع کشت محصولات ارگانیک و توسعه صنعت گردشگری این بخش از استان را به عنوان منطقه نمونه گردشگری سلامت معرفی نمود.
- منطقه گلباف دارای مزایای فراوانی برای جذب گردشگر است. اما صنعت گردشگری همانند سایر صنایع نیاز به مطالعات مقدماتی بمنظور کشف واقعیت ها دارد تا اهداف طرح بر اساس واقعیت های موجود بدرستی طراحی گردد.



۵. چشمه دریا و محوطه اطراف آن در گلباف: این بخش می تواند به مکانی برای اقامت شبانه، رستوران های متعدد با خوراک های محلی تبدیل شود. گردش در باغ های اطراف و ایجاد مسیرهای پیاده روی نیز به رونق این محوطه کمک فراوانی می نماید.
۶. محوطه پنج چنار و سرو گلباف: محوطه پنج چنار و خیابان اصلی شهر مسیر پیاده روی بسیار فرح انگیزی است که کمتر در جایی دیده می شود. با ایجاد فروشگاه های تولید و عرضه صنایع دستی و محصولات کشاورزی و دامی تنوع زیادی در این مسیر ایجاد می شود.
۷. بازدید از مزارع کشت محصولات ارگانیک: کشت ارگانیک عاری از سموم و کودشیمیائی در منطقه گلباف و شرایط ویژه این منطقه می تواند با توسعه و ایجاد بازارچه های فروش این قبیل محصولات از دیگر جاذبه های گلباف گردد.

## نقاط ضعف بخش گلباف

۱. در گلباف مراکز اقامتی که مناسب پذیرایی گردشگران باشد وجود ندارد و لازم است نسبت به تشویق و آموزش مردم برای تبدیل خانه های روستایی به مکانی برای اقامت گردشگران اقدام شود.
۲. در گلباف علیرغم پتانسیل هایی که دارد کمتر شاهد حضور گردشگر هستیم و شاید به همین دلیل هرگز ضرورت وجود سالن هایی برای پذیرایی احساس نشده است درحالی که ایجاد چنین مکان هایی می تواند انگیزه گردشگران را برای بازدید از گلباف بیشتر کند.
۳. نبود سالن های پذیرایی در شهر که علت آن می تواند عدم حضور گردشگر تا کنون باشد.
۴. نقص در راه های ارتباطی موجود
۵. عدم ایمنی مسیر، خط کشی، گارد ریل های کنار جاده و آبراه های خطرناک بدون تابلوی اعلام خطر
۶. عدم توانایی و مکتت ساکنین محلی در سرمایه گذاری کافی برای جذب گردشگر
۷. عدم آشنایی با نحوه برخورد با گردشگران و عدم شناخت کافی از نیازهای گردشگری از طرفی سابقه امنیتی منطقه باعث

آبگرم را نام برداز مکان هایی است که مورد توجه و احترام مردم گلباف بوده و برای گردشگران جذابیت خاص خود را دارد.

## نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدهای گردشگری گلباف

یکی از راه و روش های صحیح و موثر تحلیل وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک ناحیه روش علمی (SWOT) است. این روش دارای ۴ بخش بررسی نقاط قوت، ضعف ها، شناسایی فرصت ها و تهدید ها است.

## نقاط قوت بخش گلباف

۱. آبگرم و آبشار جوشان (Jowshan): این منطقه هم اکنون مکان تفریحی اهالی است که در صورت توسعه و ایجاد استخرهای بهداشتی و سایر زیرساخت های توریستی می تواند برای گردشگران داخلی و خارجی نیز جذاب باشد. این اقدامات می تواند شامل توسعه فضای سبز، ایجاد مکان های تفریحی برای بازی و سرگرمی و سرویس های بهداشتی، تغییر مسیر جاده های کوهستانی و ترویج فرهنگ حفظ طبیعت همراه با مدیریت صحیح باشد.
۲. آبشار حرمک (Hormak): آبشار بسیار زیبایی است در دل طبیعت پاک گلباف، اما دسترسی به جاده آن آسان نیست نیاز اساسی توسعه گردشگری آبشار روستای حرمک جاده دسترسی مطلوب است که هم اکنون بخشی از آن بعلت سیلاب تخریب شده و برای دسترسی به محوطه آبشار و توسعه فضای سبز آن نیاز به احیاء و بازسازی جاده فعلی است.
۳. قلعه کشیت (Keshit): اگر چه این منطقه تا چند سال گذشته نا امن بوده اما در حال حاضر از امنیت کامل برخوردار است و ظاهراً برای ترمیم و مرمت قلعه، میراث فرهنگی بودجه کافی در نظر گرفته است. در ضمن از بقایای شهر قدیم کشیت در جوار کویر لوت سفالینه ها و خمره هایی پیدا شده که کاوش های باستان شناسی در آن محوطه نیز در حال انجام است. بی شک این کاوش ها و آمدن محققان گشایشی در وضعیت فعلی نموده و خاطره نا امنی را از ذهن ها خواهد زدود.
۴. وجود نخلستان های کشیت، کلوت و برخانهای جنوب آن: این بخش می تواند بمنند کلوت های شهداد برای گردشگران



## لاله‌زار، بهشتی در دل کویر



**مسعود وزیري**  
عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان

### بهشت کویر

اکنون به هزاران هکتار باغ گل محمدی در دشت‌های پهناور شهرستان بردسیر بدل شده است. خانواده صنعتی که در همان زمان پرورشگاه صنعتی را برای حمایت از کودکان بی سرپرست در شهر کرمان راه اندازی کرده بودند در مرحله بعد اقدام به تاسیس کارخانه گلاب محمدی در لاله زار نمودند و کودکان پرورشگاه صنعتی نیز پس از طی دوران طفولیت در این کارخانه در کنار مردم محلی لاله‌زار مشغول به کار شدند.

نتیجه این اقدام صنعتی هم اکنون پس از گذشت چندین دهه متبلور شده است و کارخانه گلاب زهرا مولود تفکر اقتصادی و دور اندیشی بزرگمردی است که از آن به عنوان پدر گل محمدی استان کرمان یاد می‌کنند.

در بخش شرقی و با گذشتن از مزارع و باغ‌ها، چمنزار وسیعی وجود دارد که در بالای آن بند خاکی بزرگی بر رودخانه لاله زار بسته شده است و دریاچه زیبایی را به وجود آورده است که بسیار مورد توجه گردشگران می‌باشد و می‌توان به عنوان مکانی برای استراحت و استفاده از هوای مطبوع لاله زار از آن نام برد. بیشتر اطراف این بند خاکی، که رنگ آبی زیبایی دارد، پوشیده از چمنزار می‌باشد و در بخش شمالی آن و در حاشیه رودخانه قدم زدن در میان پونه زارها و سطح سبز چمن‌ها و خوش آب در لابه لای سنگ‌ها، فضای زیبایی را در ذهن متبادر می‌کند.

همچنین مسیر اصلی صعود به قله لاله زار که به «دهانه آرتی» مشهور است از این نقطه آغاز می‌شود.

یکی دیگر از جاذبه‌های گردشگری لاله‌زار، چشمه‌های آب گرم موسوم به «رنگ» می‌باشد که روبروی دو راهی لاله‌زار (محور کرمان - بافت) جاده خاکی در حاشیه رودخانه مادون تا رسیدن به این آب گرم‌ها ادامه دارد.

این چشمه‌ها در محدوده روستای قلعه عسکر از توابع بخش لاله زار قرار دارند. ارتفاع این چشمه‌ها از سطح دریا ۲۲۹۰ متر است و به صورت زهکش از دامنه‌های غربی خارج می‌شوند. دمای آب آن‌ها ۳۹ درجه سانتیگراد می‌باشد و به صورت دائمی جریان دارند. هر ساله تعداد قابل توجهی از مردم شهرهای اطراف، ساعت‌ها در حوضچه‌های این آب گرم به آب درمانی می‌پردازند.

چشمه‌های «رنگ» از دسته آب‌های کلرو سولفاتی می‌باشند و در درمان بسیاری از بیماری‌ها از جمله بیماری‌های لنفاوی، پوستی، روماتیسم و ... موثرند.

انبجیر وحشی و ... را در خود جا داده است. بعد از قله «تخت عبدالبیگی» قله «گوشا» با ارتفاع ۴۳۴۹ متر دومین ارتفاع بلند لاله زار محسوب می‌شود که در نزدیکی روستاهای کیسکان و هراون قرار دارد. «قله سنگ عشق» با ارتفاع ۳۵۸۰ متر از دیگر قله‌های بلند رشته کوه لاله زار است و در بین قله‌های لاله‌زار و هزار قرار گرفته است. دیگر قله‌های این رشته کوه عبارتند از:

یشم، ۳۸۱۲ متر / خاکستری، ۳۷۶۵ متر / فلاح، ۳۶۳۸ متر / سنگ سیاه، ۳۵۱۲ متر / بید خوان، ۳۴۱۲ متر / کوه سیاه، ۳۰۸۵ متر / برج، ۳۰۰۱ متر

ماه‌های اردیبهشت و خرداد، عطر گل‌های محمدی و مناظر بسیار زیبای مراتع سرسبز و باغ‌های پوشیده از گل‌های صورتی محمدی، چشم و دل هر گردشگری را تسخیر می‌کند. آوای زیبای هزاران بلبل در سپیده دم، وزوز زنبورهای عسل با دمیدن خورشید طلایی، آواز و سرود شکر گلچین‌ها به همراه پیچیدن بوی خوش گل محمدی در کوچه باغ‌های شهر، دست به دست هم، زیبایی خاصی به لاله زار بخشیده و روح تازه‌ای به کالبد طبیعت می‌دمد.

اما آنچه بیش از همه معرف لاله زار در اذهان مردم است صنعت گلابگیری می‌باشد که با این منطقه عجین شده است. لاله زار دارای آب و هوایی کوهستانی است و شرایط مناسبی برای کشت گل محمدی و توسعه گلابگیری در این مناطق که از مرتفع‌ترین منطقه مسکونی ایران نیز محسوب می‌شود فراهم شده است. این منطقه از قطب‌های اصلی تولید گل محمدی در کشور محسوب می‌شود.

داستان گل محمدی در کرمان سال‌ها قبل و بعد از حضور همایون صنعتی پدر گل محمدی کرمان در منطقه لاله زار آغاز شد در آن زمان که صنعتی به عمق محرومیت مردم این منطقه پی برد و پرورش گل محمدی در لاله زار را عرصه‌ای برای رونق اقتصادی مردم دید.

شگفت آنکه در ابتدا برخی مسئولان آن زمان و مردم محلی، اقتصاد بر پایه گل محمدی را مایه تمسخر صنعتی قرار داده بودند اما در نهایت صنعتی با انتقال نهال‌های گل محمدی به کرمان پایه یکی از با ثبات‌ترین اقتصادهای محلی بر پایه استعدادهای بومی را در استان کرمان بنا نهاد و نتیجه آن هم

در استانی که بخش قابل توجهی از آن را کویر تشکیل داده است همیشه مکان‌هایی وجود دارد که موجب شگفتی هر بیننده می‌شود. یکی از این مکان‌ها، بخش لاله زار از توابع شهرستان بردسیر است. لاله‌زار همواره یادآور قله بلند و پوشیده از برف، آب‌های روان، دشت‌ها و مزارع بزرگ گل محمدی است که در محدوده مرکز استان کرمان قرار دارد.

لاله زار در ۷۵ کیلومتری جنوب شرق شهر بردسیر و در شرق جاده کرمان به بافت، یکی از مناطق مهم گردشگری استان، محسوب می‌گردد.

این منطقه حدود ۲۶۸۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، جمعیت آن ۲،۸۳۳ نفر (۹۷۶۹ خانوار) بوده است.

در همسایگی بخش غربی منطقه هزار، رشته کوه لاله‌زار با زمستان‌های سرد و پربرف و تابستان‌های سرسبز و زیبا، منطقه‌ای با شکوه را در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شهر کرمان ایجاد نموده است. این منطقه که در محدوده شهرستان‌های بردسیر و رابر می‌باشد در مواقع بارندگی بیشترین توده‌های ابر را بر فراز خود متوقف می‌سازد. وجود چشمه سارها، برکه‌ها و جویبارهای متعدد در دامنه‌ها و دره‌های این رشته کوه، جلوه‌ای خاص را به این ارتفاعات بخشیده است.

لاله زار یکی از مهم‌ترین تامین‌کننده‌های آب هلیل رود به حساب می‌آید. بلندترین قله این منطقه «تخت عبدالبیگی» است که ۴۳۵۱ متر ارتفاع دارد.

این رشته کوه از حیات وحش متنوعی برخوردار است و بسیاری از پستانداران، خزندگان و پرندگان استان را می‌توان در این منطقه مشاهده کرد. همین‌طور می‌توان از پوشش گیاهی متنوع این منطقه نیز یاد کرد که گیاهانی چون درمنه، آلاله، مرزن جوش، آویشن و درختانی چون بادام کوهی، سرو کوهی،







## گزارش

**محمود خواجه بهرامی**  
عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی،  
صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان

## گشتی در لاله زار

به نام آنکه یکتاست و بی همتا

باغچه و گل‌هایی چون خنده به چهره‌ها به نسیم باد وزان رقص کنان مقدم شما را خوش آمد می‌گویند. در هر گوشه اش افرادی را با سبیدی از گل یا دامنی از گل یا جمعی مشغول به چیدن گل و گروهی ره می‌سپارند سوی کارخانه‌ی گلاب زهرا.

تا چشممان افتاد به مرغزار بوستان و گلستان گل‌های محمدی، زبان به سبحان الله گشودیم از لطف و اعجاز پروردگار

در لاله‌زار هوا و خورشید و طبیعت زیبا و مهربانند. گه نسیمی می‌وزد چون نسیم نوبهار که شادابی می‌کند چهره‌ها را یا رقصی و چرخشی به اندام‌های گل و گل بوته‌ها.

باغات گردو و سیب‌داری و چرای گله‌ها همه و همه تسبیح گوی ذات پاک کردگار بخاطر آن همه نعمت بسیار و سپس وارد کارخانه گلاب‌گیری می‌شویم. تکنیک و علم مکانیک می‌گیرند عصاره‌ی گل‌های سرخ را، به مشام می‌رسد در فضایش عطر گلاب.

در جایی که نامش بود انبار، خرمنی از گل که می‌کشد انتظار آوای عندلیب و بلبلان. آن خرمن گل زفرط زیبایی چنان چو سحری که مجذوب خود می‌کرد اندیشه و دل و دیده تماشاگران را. سپس در ادامه سفر از میان مرکز بخش لاله زار می‌گذرد. خانه‌ها اکثراً بافت قدیمی دارند و نحوه‌ی زندگی هنوز به شیوه‌ی سنتی وفادار.

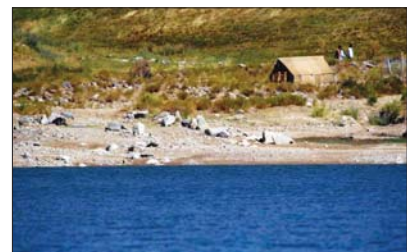
سرانجام سدی خاکی با سترگی و بی‌باکی قامت کشیده است، در برابر سیلاب‌های زمستان تا آب به هدر نرود و باشد پاساره‌ی تابستان. کوه‌های لاله زار هنوز به اندامشان تکه‌های برف دیده می‌شد. که خاطرات سخت زمستان است. حال پنجه در پنجه گرمای تابستان.

برای رسیدن به لاله زار از شهر کرمان، دو مسیر را می‌توان به اختیار بر گزید. از کرمان، مسیر جویبار، تابلو راهنما مسیر ادامه راه را به شما نشان می‌دهد. پس از گذر از بهرام‌جرده، مسیر به سمت راست به نگار ختم می‌شود. مسیر دوم از کرمان به سوی باغین، پس از گذر از گردنه‌ی بین باغین و بردسیر دور برگردانی شما را هدایت می‌کند سمت نگار. در این مسیر تا رسیدن به نگار شما از کنار کشتزار می‌گذرید شاید نگار روزگاری خوش چهره‌ی تاریخ بوده است. هنوز سیمای کهن به چهره دارد.

وجه تسمیه آن را باید از تاریخ و مورخان پرسید. برج‌های نگار شاید هنوز به وظیفه کهن خود دیده بانی، گرفتن پیام یا ارسال پیامی مشغول باشند.

وسعت نگار زیاد گسترده نیست. مسافران را زیاد در عرصه خود نگه نمی‌دارد. پس از طی مسافتی چهره‌ی رشته کوهی با گردنه‌ی نه چندان دشوار پدیدار می‌شود. طبیعت اقلیمی و آب و هوایی از گردنه به بعد تغییر می‌کند. گردنه پیچ و خم‌هایش زیاد دشوار نیست اما احتیاط و ره نسپردن به شتاب بلکه با احتیاط، لازمه سفر است. در پایین این خم و پیچ‌های روستایی، در سمت راست جاده، امامزاده‌ای پدیدار می‌شود که مسافران و مومنان را دمی به خود مشغول می‌دارد تا خودرو و سرنشینان نفسی چاق کنند و اهل قبور کنار جاده قانع به یک فاتحه. نهایت این مسیر قلعه عسکر بافت و خُبر و ارزویی و انشعاب‌اتش، رابر، گوغر و لاله زار. لاله زار نامش زیبا، پهنه‌اش چمن زار، دل به اشتیاق دیدارش بی‌قرار. در ادامه راه پس از عبور از رودخانه‌ای قحطی زده به چنگ خشکسالی گرفتار. در خم جاده راهنمای لاله زار پدیدار می‌شود. به ناگه بوستان‌های سبز و گل سرخ (گل محمدی)،

با توجه به نزدیکی این آب گرم به منطقه زیبای لاله‌زار و پتانسیل‌های توریستی، گردشگری، درمانی و صنعتی که در این منطقه وجود دارد، سرمایه‌گذاری و گسترش امکانات این منطقه در توسعه و عمران و آبادی این منطقه تاثیر مناسبی را بر جا گذارد و بر تعداد مسافران این ناحیه بیفزاید.





## سفرنامه

### اکبر رشیدی

عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان



در صحراهای عراق شناسائی شده و بعداً در شن زارهای جنوب غربی آمریکا و مکزیک مورد مطالعه قرار گرفته است، این رطیل از حشرات و عقرب و مارمولک تغذیه می‌نماید و انواع مختلفی دارد و افسانه‌هایی در مورد این رتیل نقل می‌کنند از جمله قادر است با آرواره‌های خود شکم شتری را که روی زمین دراز کشیده پاره نماید و بدین علت به آن رتیل شتری می‌گویند، البته از شترداران قدیمی شهادتی علت نامگذاری سؤال شد که گفتند علت نامگذاری آن شباهت رنگ این رتیل با شتر است. این رتیل در آرواره خود نوعی سم دارد که شکار خود را بی‌هوش می‌نماید. اگر انسان را گاز بگیرد خطرناک نمی‌باشد و شخص گزیده شده برای جلوگیری از عفونت باید به پزشک مراجعه نماید. رتیل خورشیدی در شب به شکار می‌پردازد و در طول روز در پناه سایه بدور از نور مستقیم خورشید به استراحت می‌پردازد، و بدین علت علاوه بر رتیل شتری آن را رتیل خورشیدی نامیده‌اند. تعداد آنها در این تنگه آنقدر زیاد است که در هر گامی که بر می‌داریم ممکن است با یکی از آنها روبرو شویم و به همین جهت به نظر می‌رسد که نام تنگه رطیل زیننده ترین نام برای این تنگه می‌باشد.

در عظمت تنگ رتیل باید اضافه نمایم اینجاب تا قبل از ملاحظه این تنگه فکر می‌کردم که بزرگترین تنگه کویر لوت تنگه زبان مار می‌باشد که در لوت مرکزی وجود دارد.

و با اینکه بارها به تنگه زبان مار مسافرت کرده بودم، با ملاحظه این تنگه به این نتیجه رسیدیم که تنگ رتیل با داشتن حدود ۲۰ کیلومتر دیواره در ارتفاع‌های مختلف و ۳۰ کیلومتر مسیر بدون دیواره، و جمعاً با ۵۰ کیلومتر مسیر، عظیم‌ترین تنگه کویر می‌باشد در حالیکه طول تنگه زبان مار در بلندترین شاخه تنها ۷ کیلومتر می‌باشد.

سرچشمه تنگ رتیل از جنوب چاله‌ای است که در عمق ۵۰ کیلومتری ابتدای تنگ قرار داشته و علت وجود آمدن این چاله ریزش چند فصلی است که همگی از ارتفاعات خراسان جنوبی سرچشمه می‌گیرند. و نام این رودها به ترتیب رود پلاسی، رود انبار، رود بصیران، رود کرملی و رود ریگ می‌باشد. و کلیه این رودها از شمال به این چاله می‌ریزند.

در بعضی نقاط دیوارهای تنگ رتیل ریزش نموده بود و با سختی حدود ۳ کیلومتر پیشروی نمودیم، دمای هوا علی‌رغم خنک تر بودن آن در داخل تنگه ساعت ۱۲ ظهر در سایه ۴۰ درجه سانتی گراد بود و این در حالی است که هم اکنون فصل بهار می‌باشد. پس از تهیه عکس و گزارش از تنگه خارج شدیم و در ادامه رو به شمال در بستر خشک رود ۷ کیلومتر دیگر جلو رفتیم و سپس به سمت غرب پیچیدیم و مجدداً وارد تنگ رتیل شدیم.

در داخل تنگه به سختی از دیواره غربی آن بالا رفته و روبه سمت جنوب غرب رانندگی نمودیم و تا به جاده آسفالت شهادت نهبندان رسیدیم. و از طریق این جاده به کرمان برگشت نمودیم، عصر جمعه ساعت ۷ به کرمان رسیدیم. این سفر پر بار جمعاً با ۴۵۰ کیلومتر رفت و برگشت حدود یک و نیم روز به طول انجامید.



نموده و به سمت کویر لوت ادامه مسیر دادیم. طغیان رود شور در اثر بارندگی‌های بهار و آب نمکی که اطراف جاده را بطور وسیعی فرا گرفته نقاشی زیبایی بود که آرامش خاصی را تداعی می‌کرد.

در حین راه ۶۰ کیلومتر بعد از شهادت در گود نمک سر یا معدن نمک مقداری نمک برای مصرف منزل برداشت نمودیم و نهایتاً در کیلومتر ۸۰ این جاده شب را در پایگاه هلال احمر در کنار برادران پایگاه استراحت کردیم که مورد محبت آنها مخصوصاً مسئول پایگاه آقای پورحسینی قرار گرفتیم.

صبح جمعه بعد از نماز صبح عازم تنگ رتیل شدیم، ابتدا بعد از ۲۲ کیلومتر رانندگی به پوزه کال یا گوشکال رسیدیم، این عارضه بصورت کلوتهایی چند طبقه از مناظر زیبا و جذاب کویر لوت می‌باشد. سه کیلومتر بالاتر از پوزه کال که نقطه تلاقی جاده آسفالت با خشک رود می‌باشد از مسیر جاده به سمت شمال خارج شدیم. پس از هشت کیلومتر پیمایش در بستر خشک رود در فضایی جالب و جذاب و صرف، صبحانه.

### عظمت خشک رود با پهنای ۹۰ متر

دیوارهای بلند با ارتفاع حدود ۱۰۰ متر و شیب پانزده تا صد در صد چشم نواز و شیارهای موجود در این دیواره هر کدام نقشی است که انسان را به یاد خالق هستی می‌اندازد.

در ادامه مسیر در چهار نقطه تنگه‌هایی را پیدا نمودیم که سه عدد آنها ارتفاع قابل ملاحظه‌ای نداشتند و بیشتر به آبراهه شبیه بودند. در بررسی این تنگه‌های فرعی به آثاری از حشرات (سوسک و کفشدوزک) و پر پرندگان و پوست مار برخورد کردیم، بعد از بررسی این تنگه‌های فرعی سرانجام پس از طی مسافت ۲۵ کیلومتر در بستر خشک رود به تنگ عظیم و شگفت‌آور رتیل رسیدیم.

در ابتدای تنگه عظمت دیوارها که کاملاً عمودی بودند و با ارتفاع بیش از ۵۰ متر بسیار رعب آور بود زیرا جدار این دیوارها لایه لایه از ماسه درشت با رنگ‌های مختلف بود که تصور می‌کردیم ممکن است ریزش نمایند.

پس از ثبت و گرفتن عکس، در داخل تنگه پیشروی نمودیم و با شگفتی تمام پس از ۵۰۰ متر بادبانی از حیات منجمه حشرات متنوع شامل پروانه‌های بزرگ و کوچک، کفشدوزک‌های قرمز، شب پره، انواع مگس در اندازه و رنگهای مختلف خصوصاً زرد رنگ و حتی مورچه‌های کوچک مواجه شدیم، پرواز چند نوع پرنده و آواز آنها بسیار گوش نواز بود و از همه عجیب تر حرکت سریع رتیل‌های خورشیدی با رنگ زرد و شکم‌های پرو پاهای پر از مو و پرز در اطراف ما بود که ترسی دلنشین را به همراه داشت.

رتیل خورشیدی یا رطیل شتری دارای دوارواره قوی است و در هنگام خطر بعضاً صدائی بین فش فش و خش خش از خود خارج می‌کند. نوع ماده آن بزرگتر از نوع نر بوده و سرعت این حشره تا ۱۶ کیلومتر در ساعت می‌رسد، برای اولین مرتبه

## تنگه رتیل (spider canyon)

### تنگه رتیل بزرگترین تنگه دشت لوت ایران

تنگه رتیل عظیم‌ترین تنگه کویر ایران است که در فاصله ۱۳۰ کیلومتری شهادت به سمت نهبندان و در حاشیه خشک رود یا خشک رود قرار دارد که یکی از دیگر جاذبه‌ها و ناشناخته‌های این دشت برهوت و زیبا و روحانی می‌باشد.

آقای اکبر رشیدی محقق و پژوهشگر معروف کرمانی که سفرهای زمینی و هوایی گوناگونی در فصول مختلف سال به کویر شهادت داشته است از این نقطه عجیب که در جوار کلوتهای آرام گرفته است گزارشی تهیه کرده است که در پایین می‌آید.

تنگ رتیل (اسپایدر کانین) عظیم‌ترین تنگه کویر لوت ایران است که در اعماق کویر در بخش لوت شمالی با فاصله ۱۳۰ کیلومتری از شهادت در جدار دیواره غربی خشک رود یا خشک رود واقع است که به شرح آن می‌پردازیم.

در ادامه مطالعات پدیده‌های شگفت‌آور کویر لوت در بخش رودهای موجود، حدود یک سال قبل در هنگام مطالعه رودهای چاله مرکزی یا چاله رود شور این تنگه مورد شناسائی قرار گرفت. چاله مرکزی یا چاله رود شور در مرکز کویر لوت قرار داشته و بزرگترین چاله کویر لوت می‌باشد. رودهای دائمی چون رود شور و کال لوت به آن ریخته و در این چاله آرام می‌گیرند، علاوه بر آن چند رود فصلی نیز آن می‌ریزد که پهناترین آنها خشک رود یا خشک رود می‌باشد که از کوه بختو یا پختو سرچشمه گرفته و پس از عبور از شرق پوزه کال، جاده آسفالت شهادت نهبندان را قطع نموده و به سوی چاله مرکزی ادامه مسیر می‌دهد.

البته جاده قدیم شتر رو شهادت- بیرجند در شمال خشک رود با این رودخانه تلاقی می‌نماید که این نقطه در نقشه‌های قدیمی بنام منزل خشک رود ثبت شده است.

جهت شناسائی و بررسی ضروری تنگ رتیل اینجانب اکبر رشیدی مقدم به اتفاق آقای جواد افلاح از دوستان گروه کرمان آفرود و آقایان وحید باقری و هادی رشیدی مقدم به همراه مهران ابراهیمی به عنوان تعمیر کار گروه که همگی از علاقمندان به طبیعت و کویرنوردی می‌باشند، عصر پنجشنبه مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۹ ساعت ۱۵/۳۰ از کرمان به سمت شهادت عزیمت نمودیم و پس از طی ۹۰ کیلومتر در شهادت سوخت‌گیری





## مصاحبه



### نسرین علیمردی

عضو کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان

## دریچه ای نو

بسمه تعالی

کارهای نسرین علیمردی را اولین بار در اتاق بازرگانی کرمان دیدم، جلسه دی ماه ۱۳۹۱ کمیسیون گردشگری بود، در گوشه‌ای از سالن آثار زیبایی از چوب به چشم می‌خورد، کارهایی که نشان از ذوق و خلاقیت داشت، چه اتفاق خوبی، مگر می‌شود از گردشگری گفت و از صنایع دستی حرفی به میان نیاورد، در تمام کشورهای دنیا عرضه تولیدات صنایع دستی جذابیت‌های گردشگری را دو چندان می‌کند، صنایع دستی هر کشور نشانه ذوق، سلیقه و خلاقیت مردمان آن سرزمین است و ریشه در فرهنگ و سنت های مردم دارد که نمی‌توان از آن غافل بود.

نسرین علیمردی نمونه یک کارآفرین سخت کوش و با اراده است که بر سختی‌های زندگی خندیده تا بر ناامیدی‌ها پیروز شود، بیماری را به سخره گرفته تا سلامتی‌اش را باز یابد، تجربه‌های نو کسب کرده و مانند فولاد آبدیده شده است. او در حال حاضر مدیر شرکت صنایع دستی پرنیان، عضو کمیسیون اتاق تعاون کشور و عضو کمیسیون تولید کنندگان استان می‌باشد. خانم علیمردی عضو کمیسیون اتاق تعاون کشور و عضو کمیسیون تولید کنندگان استان نیز می‌باشد. در سال ۸۹ تقدیر نامه ای از طرف مدیر کل تعاون استان کرمان آقای جواد ترکزاده، در سال ۹۱ تولید ملی در تهران لوح تقدیری از طرف اتاق تعاون مرکزی ایران و در سال ۹۲ در تهران از آقای اسدالله عباسی وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی تقدیر نامه ای دیگر دریافت نموده است.

آنچه می‌خوانید از زبان نسرین علیمردی است.

گام اول: پرتویی از امید، دریچه ای نو

اوایل سال ۱۳۸۵ حدود ۷ سال پیش با داشتن فرزند ۹ ماهه، فعالیت خودم را از هیچ آغاز نمودم و به عنوان یک زن خانه دار ثابت کردم که می‌شود از صفر شروع کرد و حکایت زندگی من نشان می‌دهد که همه چیز شدنی است. من با یک جعبه کفش، مقداری گونی کتفی، گل‌های خشک، سنگ ریزه، دکمه‌های رنگین و چسب اولین جعبه ای فانتزی را درست کردم. هنگامیکه آن را برای فروش به فروشگاه لوازم آرایشی ابتدای خیابان محل سکونت‌مان بردم. خانم فروشنده این جعبه را به قیمت ۳۵۰۰ تومان خریداری نمود.

یکی از مشتریان که آنجا حضور داشت پیشنهاد کرد که با کاغذهای رنگین برای لوازم آرایشی و عطرها جعبه فانتزی درست نمایم. با همان سرمایه اولیه مقداری کاغذ رنگین، چسب و روبان خریداری کردم با خوشه‌های گندم جعبه‌ها را تزئین کردم و با فروش سه جعبه تولید شده سرمایه کوچک من رشد کرد ابتدا ۹۰۰۰ تومان، بعد ۲۰۰۰۰ تومان، بعد ۱۰۰ هزار تومان و در مدت کوتاهی

داشتم به دنبال قطعات چوبی به چوب بری‌ها، باغ‌های اطراف شهر، روستاها و ... سفر کردم. و با یافتن هر قطعه چوبی فکری تازه به نظر می‌رسید کمی بعد تولیدات چوبی من با جای آینه، جای کلیدی، شمعان، گلدان، تولید درب‌ها و پنجره‌های سنتی تزئینی آغاز گردید. همزمان مطالعه و تحقیق در خصوص سلیقه مشتریان، طرح‌های سنتی و رنگ‌های سنتی چوب باعث شد تا علاوه بر کار بر روی چوب به صنایع شیشه، ویترا، کاشی و سرامیک نیز علاقمند شدم و از خلاقیت خودم برای تلفیق این صنایع استفاده کردم. پس از مدتی تجربه و آموزش اقدام به خرید دستگاه نجاری نمودم و با اجاره مکانی در آسیاباد جنوبی با ۷ نفر کار تولید را شروع نمودم. تولیدات شرکت صنایع دستی پرنیان شهر کرمان هم اکنون شامل گلدان، سرویس آشپزخانه، جای شمع‌های سنتی، درب و پنجره سنتی آینه کاری شده، آینه‌های دیواری با سبک‌های مختلف، انواع جای کلید و جای تلفن است. برای این صنایع از انواع چوب گردو، روسی، سپیدار و ... بسته به نوع محصول استفاده می‌نمایم. ساخت جعبه‌های هدیه‌های خواستگاری و عروسی فانتزی، باعث شد تا سفارش‌های مکرر داشته باشیم، هم اکنون به فکر توسعه محل کار و آموزش این تولیدات به علاقمندان هستیم.

توصیه من به همه افراد توانمندی که از توانایی خودشان غافل هستند، به افراد بیمار، به افرادی که بدنبال کار می‌گردند این است که بجای اتلاف وقت خودشان در خانه و خیابان، به هرکاری که علاقه دارند، هر فنی که آرزویش را دارند بپردازند، برای آموزش و تجربه علاقمندی خودشان وقت بگذارند. مطمئناً موفق شده و خود اشتغالی را تجربه می‌نمایند.

هیچ چیز دور از دسترس نیست. کار را باید ایجاد کنید. راه حل مشکل بیکاری استفاده از خلاقیت و توانمندی است. هر گاه دردی آمد نا امید نشوید. در هنگام بیماری پزشکان گفتند که در صورت ادامه کار بینایی ام را از دست خواهد داد اما من بیماری را نابود کردم در این خصوص حمایت‌های خانواده و همسر من بسیار موثر بوده است.

### طرح های آینده

من برای طرح‌های آینده بیشتر به گسترش محصولات، فروش بیشتر، همکاری بیشتر و طراحی مدل‌های بیشتر می‌اندیشم. در خصوص معرفی این رشته و آموزش هنر جوان آماده هستم. هدف من از آموزش توسعه فرهنگ صنایع دستی است.



۳ میلیون تومان. پس از آن حدود ۳ سال به تولید جعبه‌های فانتزی در خانه ادامه دادم در طول این مدت مشتریان متنوعی داشتم که برای هدیه‌های تولد، جشن‌های عروسی، خواستگاری، تزئین سفره عقد و ... سفارش می‌دادند. هیچ یک از جعبه‌های من و تزئینات سفره عقد مشابه هم نبود و همین تنوع در محصولات و خلاقیت سبب جلب مشتریان شده بود.

آنچه به من کمک می‌نمود همین تنوع در تولیدات بود اما تهدیدی جدی نیز به همراه داشت، شرکت‌های کارگاهی با تولید سری کاری و تقلید از تولیدات ابتدایی من، مسلماً قیمت تمام شده کمتری داشتند و باعث شد تا در این کار دلسرده شوم. علیرغم کیفیت نا مطلوب این تولید کنندگان قادر به رقابت با قیمت کمتر آنها نبودم لذا به پیشنهاد دوستی تصمیم به تولید انبوه گرفتم.

### گام دوم: تجربه ای تلخ، تولید انبوه

بازار و تولید ثروت من را به سمت کار تولیدی انبوه هدایت کرد. با ایجاد شرکت توانی و اخذ وام بانکی با خرید دستگاه‌های خط برش و دایکات فکی و ... به تولید جعبه‌های شیرینی، پیتزا، طلا و جواهر روی آوردم.

در این فعالیت همسر من ۳ نفر دیگر مرا کمک می‌نمودند. این فعالیت سنگین و پر مخاطره بود و باعث بیماری من گردید. بطوریکه پزشکان معالج مرا از ادامه کار منع نمودند. علت بیماری را افزایش فشار وارده به مغز تشخیص داده بودند. به طوری که به تدریج توان و انرژی خود را از دست دادم و تقریباً اعتماد بنفس خودم را هم از دست دادم.

مصرف داروهای متعدد مرا ناتوان کرده بود، قدرت رسیدگی به کارگاه را نداشتم، با همسر تصمیم گرفتیم تا کارگاه تولیدی را واگذار نماییم. فروش کارگاه کمتر از نصف طول نکشید چون تولیدات ما خوشنام و سود ده بود.

### گام سوم: تولد دوباره

روحیه خلاق و کار آفرین هیچگاه نمی‌میرد. علیرغم خانه‌نشینی، توصیه پزشکان برای استراحت مطلق، عدم تحرک و نگرانی خانواده یک روز تصمیم جدی گرفتم که دوباره شروع کنم. خانواده‌ام هر چه تلاش کردند نتوانستند مرا از این تصمیم منصرف کنند. داروها را قطع کردم، با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نقاشی روی شیشه دوباره آغاز نمودم.

برای ساخت آباژور نیاز به پایه چوبی داشتم. با مراجعه به کارگاه نجاری که در همسایگی کارگاه قبلی ما بود تقاضا کردم که به من نجاری بیاموزد نجار با آشنایی که از من و بیماریم داشت قصد داشت مرا منصرف کند که با اصرار من و توضیح اینکه من قصد تولید درب و پنجره و ساخت و تولید کابینت و ... ندارم و منظورم آشنایی با ابزارهای نجاری و خراطی برای تولید صنایع دستی است، موافقت کرد تا از ابزارهای نجاری کارگاه و چوب‌های باطله استفاده نمایم.

با جمع کردن قطعات چوب با اشکال گوناگون و تنوع رنگی آنها ناگهان گمشده سال‌هایم را در میان این قطعه‌های چوبی پیدا کردم، با نگاه به هر قطعه چوب در آنها شکلی می‌یافتم و با استفاده از ابزار آن را خلق می‌نمودم. با سخت کوشی و تجربه سالهای قبل، ممارست و علاقه‌ای که





مدیر مسئول: سید محمد ابراهیم علوی ■ سرمدیر: بتول ایزدپناه ■ مدیر داخلی: فرزانه زاهدی ■ تحریریه: فروغ زاینده رودی ■ مدیر هنری: زینب امیرزاده ■ عکس: فرزاد گوری

نشانی: کرمان، بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان ■ تلفن: ۲۴۳۸۳۷۰

ارسال مطالب علمی و تخصصی و تجربیات شما در زمینه ی گردشگری جهت نشر، مزید امتنان است/ مطالب مندرج لزوماً پیاپیگر دیدگاه کمیسیون نمی باشد/ فصلنامه گردشگری کرمان در چاپ و ویرایش مطالب ارسالی آزاد است

## خبر

**بد نیست بدانیم فعالان اقتصادی کشور در نشست ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲ هیات نمایندگان اتاق ایران انتظارات و خواسته‌های خود از دولت آینده را در قالب بیانیه مطرح کردند ، یک بند از این بیانیه به بخش گردشگری اختصاص دارد که در زیر به آن اشاره شده است.**

«تعیین فقط یک دستگاه دولتی به عنوان تنها متولی صنعت گردشگری و ممانعت جدی از دخالت دیگر نهادها و همچنین اختصاص بودجه متمرکز جهت ارتقای جایگاه صنعت گردشگری می تواند این صنعت پر ظرفیت در کشور را بدیل درآمدهای نفتی نماید، شایسته است دولت آینده به این امر مهم توجه جدی مبذول دارد.»

**در سومین نشست کمیته اطلاع رسانی و انتشارات و دومین نشست کمیسیون فنی و هماهنگی کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق کرمان انتشار فصلنامه گردشگری و فعال سازی هیات‌های حل اختلاف مسایل گردشگری استان در بخش خصوصی در دستور کار قرار گرفت.**

در نشست کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق کرمان در ابتدا اعضای کمیته‌ی اطلاع رسانی و انتشارات در خصوص چگونگی تدوین مطالب و انتشار فصل نامه کمیسیون به بحث و تبادل نظر پرداختند.

در این نشست رییس کمیسیون گردشگری اتاق تاکید کرد: فصل نامه ی کمیسیون گردشگری در صورت تعیین سرفصل‌های مناسب و استمرار دوره‌ی انتشار، می تواند به کمک توسعه این صنعت در استان کرمان بیاید.

آقای علوی با اشاره به مغفول ماندن بخش هایی از توانمندی‌های گردشگری استان کرمان ابراز امیدواری کرد این فصل نامه بتواند گامی موثر در این مسیر بردارد. فصل نامه‌ی گردشگری و حمل و نقل اتاق کرمان در آغاز راه به صورت فصلی و با موضوعاتی همچون معرفی مناطق گردشگری استان، مصاحبه های تخصصی، مقالات در حوزه گردشگری و آخرین اخبار و رویدادهای گردشگری استان منتشر خواهد شد.

در نشست دوم کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق کرمان ، اعضای کمیته فنی و هماهنگی کمیسیون راهکارهای ارایه خدمات با کیفیت به گردشگران در استان کرمان را بررسی کردند. در این نشست مقرر شد هماهنگی های لازم با مراجع دولتی و بخش خصوصی برای ارایه بهترین خدمات به گردشگران با هدف توسعه گردشگری در استان کرمان به انجام برسد.

آشنا ساختن بیشتر فعالان حوزه گردشگری به قوانین موجود در این حوزه و کمک به حل اختلافات فعالان گردشگری از طریق دفاتر و انجمن صنفی از مهم ترین اهداف فعالیت های این کمیته است.

## نمایشگاه های چین در سال ۲۰۱۳

ردیف	موضوع	نام نمایشگاه	محل	تاریخ	وب سایت
۱	گردشگری	نمایشگاه بین المللی گردشگری پکن (BITE) 2012	پکن	۲۳-۲۰۱۳/۰۶/۲۱	<a href="http://www.bitechina.com.cn/en/en_home.php">http://www.bitechina.com.cn/en/en_home.php</a>
۲	صنایع دستی و صنایع فرهنگی	نمایشگاه بین المللی صنایع فرهنگی	شنجن	۲۰-۲۰۱۳/۰۵/۱۷	<a href="http://en.ncnci.gov.cn">http://en.ncnci.gov.cn</a>
۳	سرمایه گذاری	نمایشگاه بین المللی سرمایه گذاری و تجارت چین	شیامین	۱۱-۲۰۱۳/۰۹/۰۸	<a href="http://www.chinafair.org.cn/english/index/index.aspx">http://www.chinafair.org.cn/english/index/index.aspx</a>
۴	صنایع دستی	نمایشگاه صنایع دستی و نوآوری پکن	پکن	آبان ۹۲	-
۵	تجارت خدمات	نمایشگاه بین المللی تجارت خدمات پکن	پکن	۰۶/۰۱-۲۰۱۳/۰۵/۲۸	<a href="http://www.ciftis.org">www.ciftis.org</a>



## پذیرش آگهی در فصلنامه گردشگری کرمان

تلفن سفارش آگهی: ۲۴۳۸۳۷۰